

پدیده معماری در آستانه شکل‌گیری جامعه اسلامی (سیمای تاریخی)



عواملی است که سازمان اجتماعی سرزمین یمن را در عهد سبائیان ممتاز می‌سازد و پیشرو بودن آن را به سهولت نشان می‌دهد. روشن است که آنچه احتمالاً چند صد سال بعد پدیدار شده تنها در صورتی می‌توانسته است سختی خود را با معماری کهن سبا حفظ کند که سنتهای سبائی پایدار مانده باشند در حالی که روایات تاریخی حکایت از فروپاشی تمدن یمن و مهاجرت آن مردم به سمت شمال عربستان دارد. از این رو ایجاد ارتباط میان اثری چون قصر غمدان که دیگر باقی نیست با معماری کهن منطقه، بدون یافتن قرائن جدید و کافی به هیچ وجه میسر نخواهد بود.

در صنعا قصر و قلعه‌ای به نام غمدان برپا بود که بنا به توصیف همدانی (وفات ۳۳۴ ق) به شکوه و عظمت شهرت داشت. آورده‌اند که غمدان چندبار از جمله طی یورش حبشیان به یمن، در سال ۵۲۵ م خراب و سپس بازسازی شد. سیف بن ذی یزن امیر معروف یمن که با کمک خسرو انوشیروان آنجا را تسخیر و دست حبشیان را کوتاه کرد قصر غمدان را مقر خود قرار داد. بدین سان بازماندگان سپاهیان ایران که به سکونت در یمن ادامه دادند «بنا فارس» (فرزندان ایران) خوانده شدند.

از قرن سوم تا ششم (م) در شمال شرقی شبه جزیره ملوک لخمی حکومت می‌کردند که آخرین فرمانرانان آنان تابع ساسانیان بودند و در نتیجه این رابطه ساسانیان از غارتگری بدویان عرب مصون می‌ماندند. لخمیها مخلوطی از مردم شمال و جنوب عربستان بودند. نعمان شاه لخمی کاخ مشهور خورنق را - به احتمال زیاد توسط معماری رومی - برای یزدگرد ساخت. اعراب با سرزمینهای

در بررسی کلی و توصیفی تمدن مسلمین رسم بر آن بوده است که به پیشینه فرهنگ ملی که اسلام آوردند اعم از عجم و عرب اشاره شود. گسترش اسلام پس از پدیداری در عربستان، در ایران و شرق ییزانس آغاز شد، و آنگاه در شمال آفریقا، ایبری و - در این سوی عالم - دره سند ادامه یافت. بدین ترتیب یک سازمان اجتماعی عظیم پدیدار شد که با اقوام و ملل مختلف ارتباط داشت هر چند که نخست عرب آن را گسترده بود.

جنوب جزیره العرب در هزاره دوم ق. م شهرهایی مهم داشت. بعد از کتاب عهد قدیم، قدیمی‌ترین متون تاریخی درباره قوم عرب کتبیبه‌ای است آشوری که از قرن نهم ق. م به جا مانده است. در جنوب عربستان مقارن همین ایام سبائیان حکم فرمایی می‌کردند و آثار دوران آنان اکنون باقی است. از جمله این آثار پرستش گاهی بیضی مانند و دیگری سدما رب است که از لحاظ تاریخی - مهندسی اثری شگفت محسوب می‌شود. از دیگر نشانه‌های آن روزگار که عمدتاً مربوط به تمدن سباست، می‌توان آثار سنگتراشی، تصاویر منقور مردگان بر سنگهای قبور، مجسمه‌های کوچک گلی، مجسمه‌های مرمری و مجسمه‌های مفرغی سر گاو و مفرغینه‌های صادر شده لرستان به حضرموت را نام برد. وانگهی می‌توان به سفالینه‌های کهن اشاره کرد که طبعاً از نظر کاوشهای باستانشناسی این منطقه از عالم نیز اهمیت دارد.

آنچه از کار معمار سبائی باقی مانده احساسی برمی‌انگیزد که ناشی از تفاوت کار با معماری دیگر مکانها و دیگر زمانهاست و برای انسان امروز بس خیال‌انگیز و در ماوراء حیات جاری و عادات ذهنی و بصری می‌نماید. همین خصیصه خود از

دیگر پیوند داشتند و سازمانهای اجتماعی آنها را مشاهده می کردند، و مضامین اشعارشان گاه مربوط به فرهنگ و تمدن دیگران مثلاً غسانیه بود. امارت غسان با بیزانس (روم شرقی) ارتباط داشت. غسانیان جهت دفاع در برابر دشمن روم دژهایی احداث کرده بودند و دولت آنها تحت تأثیر مدنیت بیزانس بود. آنها در تکوین سازمان اجتماعی و معماری سوریه قبل از اسلام نقش اصلی را به عهده داشتند. نسابه های عرب می پنداشتند که غسانیان از بازماندگان سبا بودند. در دوره اعراب جاهلی قبائلی که جداگانه در شمال و جنوب به سر می بردند به حسب علم انساب به دو گروه عدنانی و قحطانی تقسیم می شدند.

روحیه بارز جامعه بدوی جزیره العرب عصبيت بود. افراد می دانستند که قبیله شان پشتیبان مطلق آنهاست مگر آن که مطرود گردند. غریبان هم می توانستند به موجب حق «جوار» از پشتیبانی قبیله برخوردار شوند. یکی از رسوم قابل توجه قبائلی اتحادها بود که «حلف» نامیده می شد. برای سرکردگان طوائف حقوقی ممتاز مقرر داشته بودند که از موارد آن تعلق یافتن یک چهارم غنایم به او بود. عصبيت و ابغاض و عرض عرب فن شاعری را پر و بال می داد. و قدما آورده اند که خدا به ابلیس گفت: قرائت تو شعر است! موسیقی اگرچه بسیار بیشتر از هنر تجسمی رونق داشت اما شعر به مراتب پیشتر بود.

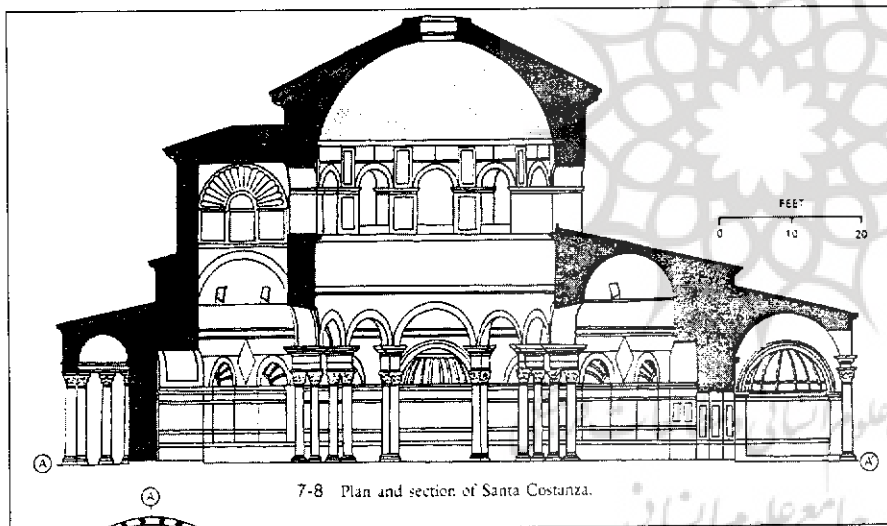
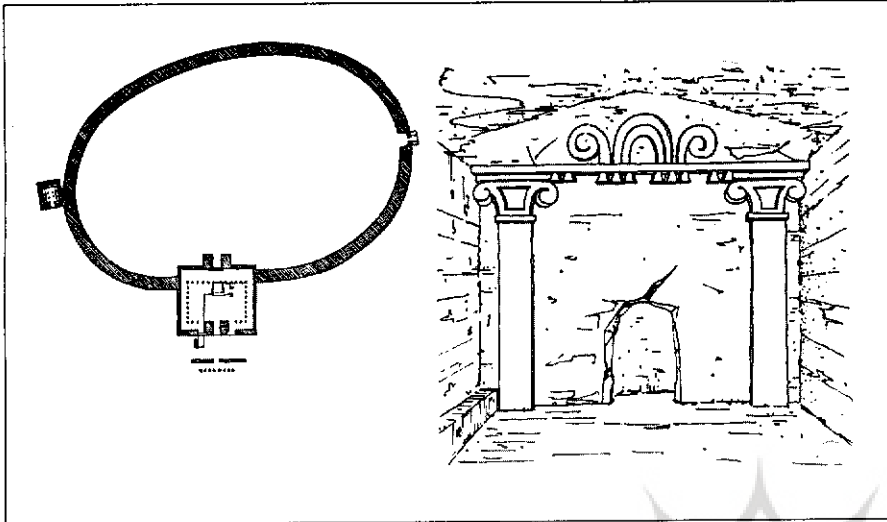
نخستین کالیدها

یگانه پرستی نوین تا حدود رحلت حضرت محمد(ص) در حجاز، نجد، عروص، تهامه، یمن، ... گسترده شد. به اشاره کرسول اولین مساجد عموماً بناهایی بسیار ساده و بی زیور بودند، و اکنون از آنها اثری باقی نمانده است. طرح کلی مسجد پیامبر در مدینه، در مساجدی که سالهای بعد ساخته شد باقی ماند. طرح پایدار و مشخص ابنیه پس از گذشت زمان شکل گرفت و معماری اسلامی براساس شیوه های بومی استقرار یافت. طراحی مسجد در سرزمینهای غربی تصرف شده شباهت خود را به مساجد نخستین بیش از معماری های ایرانی و ترکی حفظ کرد.

مساجدی که بعداً ساخته شدند عموماً مشترکاتی داشتند که از یک سو با آنچه مراسم عبادی ایجاب می کرد (مانند حوض) و از سوی دیگر با هویت فنی و هنری ساختمان (مانند گنبد) ملازمه می یافت. بعد از دوران صدر اسلام سازه هایی چون مناره به اقتباس از آثار پیشین ملل نومسلمان به مساجد افزوده شد. یا این که مساجد، مدارس و دیگر ساختمان ها هر کدام کارکردهای خاص خود را داشته است، شباهت در ترکیب و تزئینات و اجزای تشکیل دهنده در مجموع چهره ای به آنها بخشیده که نمایانگر شیوه اسلامی بوده است. در ادامه حیات معماری اسلامی اهتمام حاکمان به هر حال باعث پیشرفت معماری و دیگر هنرها در سرزمین های اسلامی، و هم از این رو انتساب شیوه های هنری به سلسله های آنان شده است. اکنون در ادامه مطلب بازمی گردیم به مسجدالنبی، خانه و مسجد پیامبر در مدینه محوطه ای چهار گوش، و شبستان آن یک سایبان - ظلّه - احتمالاً از برگ ها و تنه های نخل، و فرش آن در ابتدا از بوری بود. گویا دیوارهای شبستان نیز چنین پوششی داشت. در مجاورت آن اتاقهای همسران پیامبر و در ضلع مقابل شبستان اتاقهای اصحاب صفاه واقع بود. یعقوبی می نویسد هنگامی که به پیامبر توسعه مسجد را پیشنهاد کردند امتناع فرمود و سادگی آن را ترجیح داد، و گفت: «لا، عرش کمرش موسی (ع)». تصور می رود در عبارت «عرش موسی (ع)» اشاره به جایگاه عبادت یا خیمه مقدس اجتماع بنی اسرائیل نهفته باشد.

مدفن پیامبر و شیخین در این مسجد است و مساحت ساختمان کنونی بسیار افزوده تر از آغاز کار است، و در همان اوان توسط عثمان بن عفان و ولید بن عبدالملک اموی که به طور کلی به معماری علاقه مند بود، وسعت یافت. او به تزئین مسجد امر کرد و برای آن گنبدی ساخت.

معماری مسجد را رومیان و بنای آن را قبطیان برعهده داشتند. در جایگاهی که پیامبر اقامه نماز می کرد محراب ساختند. مسجدالنبی بارها تعمیر، تجدید بنا و آرایش شد و نوسازها را سلاطین مملوکی، عثمانی و سعودی انجام دادند، و



7-8 Plan and section of Santa Costanza.

دیگر گونیهایی جدید بنا را از معماری قدیم بسیار دور کرد.

به اشاره پیامبر اسلام، در محل کلیسای شهر صفا که آن را حدود یک قرن پیش از ظهور اسلام احداث کرده بودند جامعی ساختند. ابتدا مسجدی کوچک بود و در حدود سال ۸۸ ق / ۷۰۷ م ولید آن را گسترش داد و تحولات ساختمانی آن تا قرنهای ادامه یافت. جامع صفا مهم ترین مسجد شهر است و بنایی زیبا دارد. شبستان اصلی دارای پنج فرش انداز است. در زمان مادو کتابخانه بر تالار جنوبی ساخته اند.

عمر و بن العاص در شهری که پس از فتح مصر ساخت و فسطاط نام گرفت مسجدی بنا کرد که جامع عمرو نامیده شد. تاریخ ساخت آن سال ۲۱ ق است. جامع عمرو یا عتیق، اولین مسجدی است که در سرزمین مصر ساختند. این مسجد از جمله مسجدهای بزرگی بود که در بلاد مفتوح می ساختند و مجاهدان گاه در آنها به سر می بردند. مسجد بصره و - به خصوص - مسجد کوفه که به نوبه خود از اهمیت برخوردار بوده اند چنین وضعی داشتند. شکل کنونی جامع عمرو در واقع از قرن سوم ق است.

عمر و عاص مسجد را در زمانی ساخت که مسلمین به تدریج برای پرداختن به تفنن و هنرها و دیگر مقولات مدنیت فرصت می یافتند. عموماً حکمرانان با کارفرمایی برای آثار ساختمانی و به کارگیری هنرمندان بر این حرکت تأثیر می گذاردند. معماری

در برمی گرفت بیش از هزار سال توأم با نوساناتی دوام یافته و حیات آن بستری برای ادامه جریان فرهنگ و هنر رومی و یونانی گردیده بود. در حکومت یوستی نیانوس (۵۲۷ - ۵۶۵ م) هنر روم شرقی رونق فراوان گرفت. رنسانس اروپا از هنگامی آغاز گردید که قسطنطنیه پایتختی آنان در سال ۸۵۷ ق / ۱۴۵۳ م به دست عثمانیها سقوط کرد.

هنر بیزانسی - و از آن جمله موزاییک کاری - در شام، یونان، بوسنی و سرزمینهای اسلاو رواج یافته بود. در ساختمانهای بیزانسی، گنبد با استفاده از لچکی بر فضای تحتانی خود قرار می گرفت. به منظور پدید آوردن صورتهای مرسوم و همسان آثار موزاییک و نقاشی، از رنگ طلایی و به علاوه از موتیفهای هندسی بر سطحهای همواره بهره می بردند. هنر بیزانسی از آمیزش سبکهای یونان و مشرق زمین مخصوصاً ایران برآمده بود، و مصادیق باشکوه آن در بناهایی مانند بنای ایاصوفیه پدیدار شد. به طور کلی یکی از نمونههای اساسی در شکل گیری معماری بیزانس، معماری ساسانی بود.

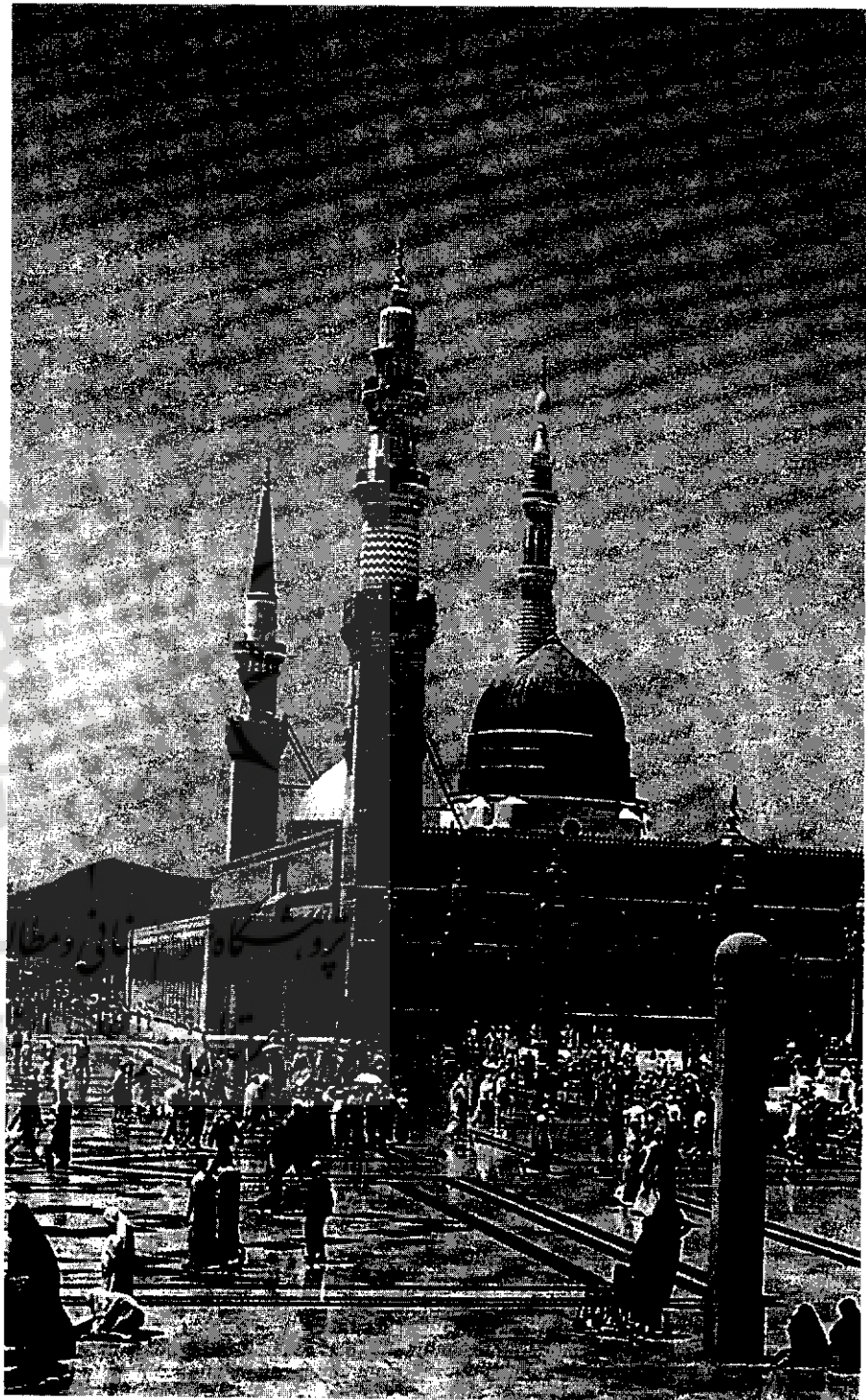
امویان به سبب همجواری شام با بیزانس، و مشاهده آثار ملل مغلوب در بلادی که اعراب مسلمان تصرف کرده بودند سعی داشتند با بر جای پای آنان گذارند. خاندان اموی پس از تشکیل حکومت به سبب تمایلات شدید مادی در معماری هم پی سادگی نبودند. به رغم تلاش اسلام در نفی قبیله گرایی، در زمان امویان جهت گیریهای طایفه‌ای به صورتی خطرناک توسعه می یافت. ضدیت با غیر عرب جزء بینش آنها بود در حالی که از لحاظ اداری و حکومتی بالعکس از عجم استفاده می کردند.

سلاطین اموی با چنین سنجیه و روحیه مادی، هم به ظهور جلال و عظمت و زیبایی سخت علاقه داشتند و هم به عقب نماندن از تمدن ملل مغلوب از جمله روم شرقی می اندیشیدند. از نتایج این تأثیرپذیری شباهت یافتن ساختمان مساجد به کلیساهای رومی بود. در این زمان وجود محراب رسمیت یافت. ساختن مقصوره محافظ را نیز امویان ابداع کردند. در معماری اینان شبستان، تالار بزرگ دارای ستون همچون بازلیکاها بود.

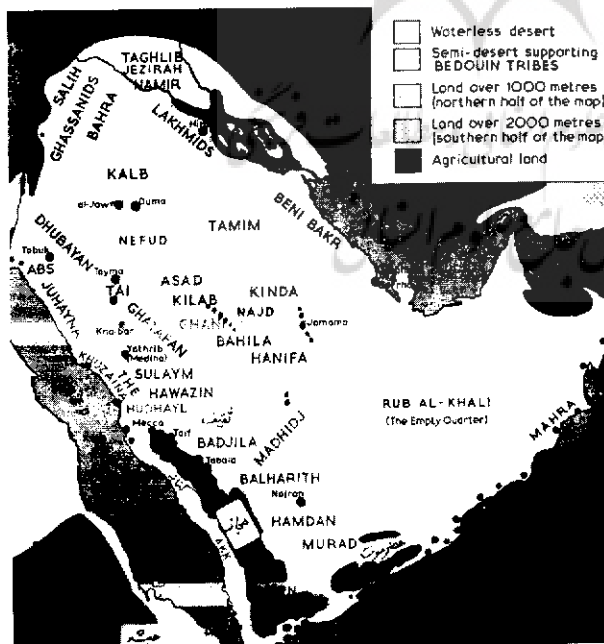
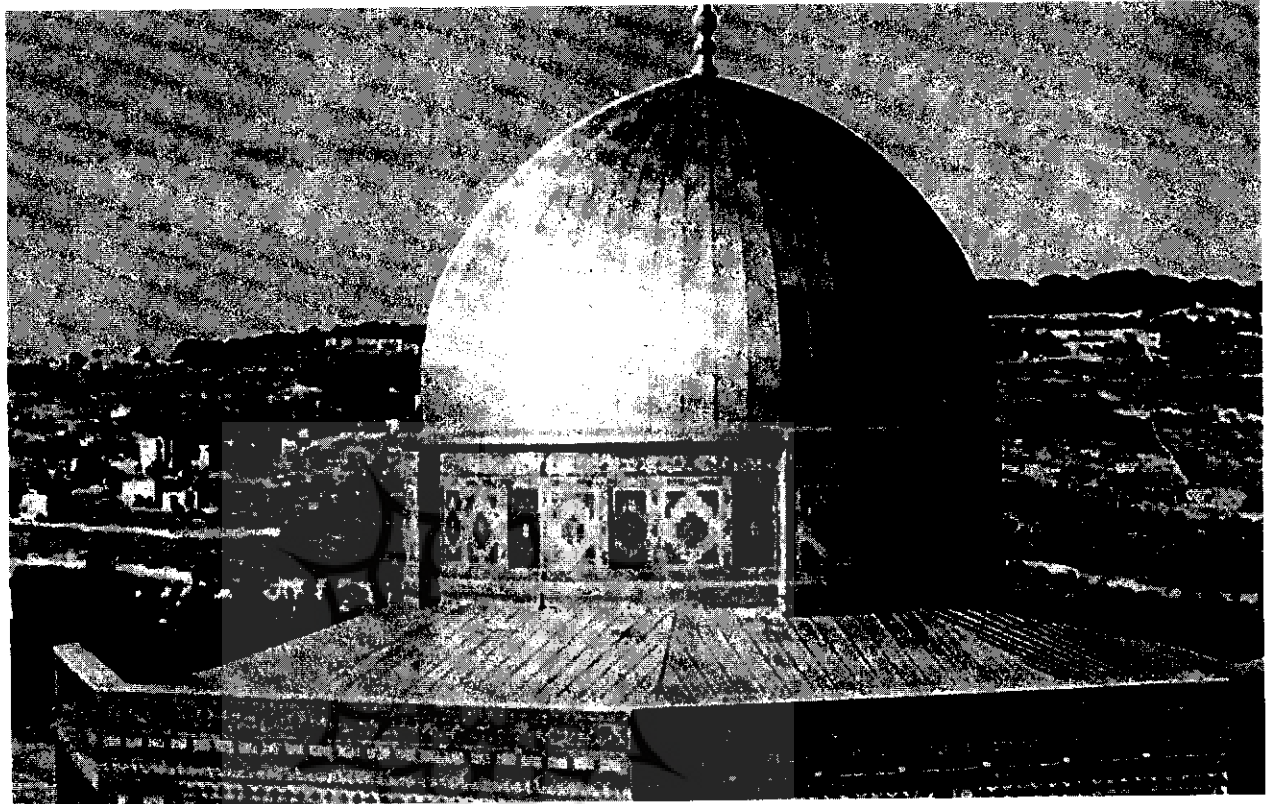
قبة الصخره که در دوره بنی امیه بنا شد یکی از کهن ترین ابنیه مسلمین است. آن را عبدالملک بن مروان با انگیزه‌ای سیاسی در بیت المقدس بر جای پیشین نیایشگاه رومی ژوپیتر که هادریانوس دستور داده بود به جای نیایشگاه یهوه اورشلیم بسازند برپا ساخت. صدها سال پیش از آن سلیمان نبی معبد اورشلیم را ساخته بود و کلیمیان در حرم شریف از «صندوق عهد» نگهداری می کردند.

قبة الصخره را طی سالهای ۶۹ - ۷۲ ق بر فراز و در اطراف یک سنگ بزرگ ساخته‌اند. یکی از مطالبی که در باب حرمت صخره گفته‌اند تعلق آن به بهشت است. پیرامون آن ۸ ضلعی منتظم است و هر ضلع ۲۰ متر طول دارد. نقشه مثنی آن شبیه است به کلیساهای سانتا کونتانزا در رم، سن ویتالیس در راونا، و معراج مسیح در اورشلیم. در قسمت زیرین صخره غاری واقع است. گنبد قبلی مانند گنبد کنونی طلایی بوده و در قرن چهارم ق مقدسی در کتاب احسن التقاسیم از آن تمجید کرده است. گنبد فعلی مربوط به قرن ششم ق است.

مسجد الاقصی بر محوطه حرم شریف اطلاق می شود که قبة الصخره و همچنین مسجد الاقصی به معنی اخص در آن قرار دارند. این مسجد در محل نمازخانه عمر بنا شده و وسعت گرفته است. می گویند در ساخت آن از بعضی قسمت‌های کلیسای یوستی نیانوس استفاده کرده‌اند. مسجد در سال ۹۶ ق به وسیله ولید بن عبدالملک ساخته شد. ایام رفاه در حکومت ولید با گرایش او به ساختمان‌ها همراه بود. در مسجد الاقصی بعد از ساخت اولیه تعمیرات و تغییراتی صورت گرفت. جامع دمشق که آن هم از ساخته‌های ولید اموی است شاهکاری دیگر در هنر اسلامی است. قبل از تبدیل به مسجد، کلیسایی موسوم به یوحنا بود که توسط ولید مصادره گردید. وی دستور داد آن را ویران کنند و شش سال



شکلی مشخص و نسبتاً ثابت یافت و این تعیین در قالب معماری امویان (حکومت ۴۱ - ۱۳۲ ق) خود را به خوبی نشان داد. البته شیوه‌ای که امویان عرب کارگزار آن شدند به سرزمین شام محدود نماند و به عراق، مصر، افریقیه و اندلس هم سرایت کرد. در این شیوه شکل و شمایل عارض بر طرح بنا و اجزاء تشکیل دهنده، بیشتر تحت تأثیر معماری بیزانس واقع بود و بدین سان تأثیرپذیری از بیزانس نمونه‌ای شد از خاستگاه‌های خارجی در هنر پرورونق مسلمین. امپراتوری بیزانس که حدوداً اراضی شمال و مشرق دریای مدیترانه را



طول کشید تا مسجد ساخته شد. بعدها چند بار به علت زلزله و آتش سوزی آسیب دید. در جامع دمشق تأثیر هنر رومی و آثار موزاییک کاری آن که به نحوی بسیار متناسب انجام یافته است، مشاهده می شود.

در مَشْتی علاوه بر هنر رومی تأثیرات ایرانی نمودار است. مَشْتی قصری است نیمه کاره که احتمالاً ساخت آن به سبب سقوط امویان قطع شده است. بنی امیه که به زندگی در صحرا عادت داشتند و بدان بسیار راغب بودند گاه قصرهای بیابانی ای می ساختند که معمولاً تلفات انسانی معتابه داشت. اکنون قسمت اعظم ورودی و دیوارهای مَشْتی به موزه اسلامی برلین منتقل شده است. نقشه ساختمان و قوسهای آجری ایرانی، و نقوش ازاره دیوارها مرکب از نقش مایه های ایرانی و بیزانسی است. سنگتراشی ها بیزانسی است و در طرح تالار تشریفات خصوصیات رومی و محلی مشاهده می شود. این طرح در خرابه المفقجر (خرابه زهاب) هم وجود دارد.

منابع:

احسن التقاسیم، محمدبن احمد مقدسی، ترجمه علینقی منزوی، تهران، ۱۳۶۱.

تاریخ سیاسی اسلام، حسن ابراهیم حسن، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، ۱۳۶۲.

تاریخ عرب، فیلیپ حتی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، به کوشش فتح الله مجتبی، تهران، ۱۳۶۶.

تاریخ یعقوبی، ابن واضح، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، ۱۳۵۶.

دائرة المعارف بزرگ اسلامی، به کوشش کاظم موسوی بجنوردی، تهران، ۱۳۶۷.

دائرة المعارف فارسی، به کوشش غلامحسین مصاحب، تهران، ۱۳۴۵.

سبک شناسی هنر معماری در سرزمین های اسلامی، جان هوگ و هانری

مارتن، ترجمه پرویز ورجاوند، تهران، ۱۳۶۸.

فرهنگ مصور هنرهای تجسمی، پرویز مرزبان و حبیب معروف، تهران، ۱۳۷۱.

معماری اسلامی، الکساندر پایادوپولو، ترجمه حشمت جزئی، تهران، ۱۳۶۸.

Architecture of the Islamic World, ed. George Michell, London, 1987

A Short Account of Early Muslim Architecture, K. A. C. Creswell Beirut, 1968